



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی

(بررسی شکلی و محتوایی)

جلد دوم

دکتر حسن زندیه

مریم پلندی



استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی
(بررسی شکلی و محتوایی)
جلد دوم

دکتر حسن زندیه
مریم بلندی

زمستان ۱۴۰۰

سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرار و موازی‌کاری جلوگیری شود. ازاین‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای نیل به هدف یادشده، دومین کار مشترک خود را با عنوان استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی (بررسی شکلی و محتوایی) جلد دوم به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

کتاب حاضر به‌عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان و نیز طلاب رشته‌های تاریخ اسلام و ایران به‌ویژه گرایش اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی، تاریخ فرهنگ و تمدن، فقه و مبانی حقوق اسلامی و حقوق تألیف شده است. امید است اثر حاضر، مورد توجه استادان، دانشجویان و محققان رشته‌های یادشده و عموم علاقه‌مندان قرار گیرد.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلفان گرامی اثر، جناب آقای دکتر حسن زندیه و سرکار خانم مریم بلندی و نیز ارزیاب ارجمند جناب آقای دکتر محسن روستایی قدردانی و سپاسگزاری نماییم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

فصل پنجم: ساختار محتوایی استشهدانامه‌ها

- ۱..... در آمد
- ۲.....
- ۳.....
- ۴..... ۱-۱-۵. دیباچه (مقدمه)
- ۵..... ۱-۱-۱-۵. جمله استشهاد (صیغه عقد استشهاد)
- ۵..... ۲-۱-۱-۵. بعدیه
- ۵..... ۳-۱-۱-۵. غرض از نگارش
- ۵..... ۴-۱-۱-۵. مستشهدین
- ۷..... ۲-۱-۵. رکن کلام
- ۹..... ۳-۱-۵. خاتمه
- ۹..... توصیه
- ۱۰..... دعا
- ۱۱..... ۲-۵. ساختار محتوایی اضافات
- ۱۲..... ۱-۲-۵. تسمیه
- ۱۴..... ۲-۲-۵. تاریخ تحریر
- ۱۵..... ۱-۲-۲-۵. تقویم‌های متداول در استشهدانامه‌ها
- ۱۶..... ۱-۱-۲-۲-۵. تقویم هجری قمری
- ۱۷..... ۲-۱-۲-۲-۵. تقویم اویغوری (ترکی-مغولی)
- ۱۸..... ۳-۱-۲-۲-۵. تقویم رسمی ایرانی یا تقویم هجری شمسی
- ۱۹..... ۳-۲-۵. سجل وقوعی و اعترافی یا تأییدیه و اظهارات حاکم شرع
- ۲۰..... ۴-۲-۵. سجل شهودی یا تأییدیه و اظهارات شهود
- ۲۲..... ۵-۲-۵. سجل مطابقه‌ای یا تأییدیه سواد نویس
- ۲۳..... ۶-۲-۵. مهر
- ۲۴..... ۱-۶-۲-۵. تعریف و مفهوم مهر

- ۲۴..... ۲-۶-۲-۵. پیشینه مهر
- ۲۷..... ۳-۶-۲-۵. نقش آفرینان مهر
- ۲۸..... ۴-۶-۲-۵. هویت مالکین مهرها
- ۲۹..... ۵-۶-۲-۵. محتوا و مضمون مهرها
- ۳۱..... ۷-۲-۵. امضا
- ۳۴..... ۱-۷-۲-۵. تفاوت نوشته امضا شده و امضا نشده
- ۳۴..... ۸-۲-۵. اثر انگشت
- ۳۵..... ۹-۲-۵. تمبر
- ۳۶..... ۱۰-۲-۵. هامش (ادامه متن اصلی)
- ۳۷..... ۱۱-۲-۵. ظهریه یا پشت سند
- ۳۸..... ۳-۵. اطلاعات مستخرج از استشهادنامه‌ها
- ۳۹..... ۱-۳-۵. ادبیات و زبان شناسی
- ۴۳..... ۱-۱-۳-۵. زبان و اصطلاحات حقوقی
- ۴۴..... ۲-۱-۳-۵. عبارات و تمثیل‌های عربی
- ۴۵..... ۳-۱-۳-۵. آیات و اشارات قرآنی
- ۴۶..... ۴-۱-۳-۵. عبارات دعایی بعد از اسامی
- ۴۶..... ۵-۱-۳-۵. عبارات گویشی
- ۴۶..... ۲-۳-۵. اسامی و القاب
- ۴۹..... ۱-۲-۳-۵. نخستین کسانی که با القاب و عناوین، مخالفت ورزید
- ۵۴..... ۲-۲-۳-۵. عبارات دعایی بعد از نام
- ۵۴..... ۳-۳-۵. سیاق
- ۵۷..... ۴-۳-۵. اوزان و مقادیر
- ۵۹..... ۵-۳-۵. پول
- ۶۰..... ۶-۳-۵. جغرافیای تاریخی

فصل ششم: ساختار ظاهری استشهادنامه‌ها

- ۶۱..... درآمد
- ۶۲..... ۱-۶. ساختار ظاهری متن
- ۶۲..... ۱-۱-۶. محل جای‌گیری متن اصلی (دیباچه، رکن کلام و خاتمه)
- ۶۴..... ۲-۱-۶. سطر
- ۶۴..... ۱-۲-۱-۶. تعداد سطرها
- ۶۴..... ۲-۲-۱-۶. فاصله بین سطرها
- ۶۵..... ۳-۲-۱-۶. انتهای سطرها
- ۶۶..... ۳-۱-۶. خط
- ۷۱..... ۴-۱-۶. درشت و پرننگ نویسی

۷۱.....	۵-۱-۶. قلم.....
۷۲.....	۶-۱-۶. مرکب.....
۷۲.....	۲-۶. ساختار ظاهری اضافات.....
۷۳.....	۱-۲-۶. محل استقرار تسمیه و تاریخ تحریر در سند.....
۷۴.....	۲-۲-۶. موضع و ساختار ظاهری اظهارات و تأییدیه حاکم شرع.....
۷۵.....	۳-۲-۶. موضع و ساختار ظاهری اظهارات و تأییدیه شهود.....
۷۶.....	۴-۲-۶. موضع و ساختار ظاهری اظهارات و تأییدیه سوادنویس.....
۷۷.....	۵-۲-۶. مهر.....
۷۸.....	۱-۵-۲-۶. اشکال و اندازه مهرها.....
۷۸.....	۲-۵-۲-۶. سجع و نقش مهرها.....
۸۰.....	۳-۵-۲-۶. تزئینات مهرها.....
۸۱.....	۴-۵-۲-۶. نظم و چینش مهرها.....
۸۳.....	۶-۲-۶. نقص عمدی کاغذ (رفع تربیع).....
۸۸.....	۷-۲-۶. کاغذ و ابعاد آن.....
۹۲.....	۸-۲-۶. تزئینات سند.....

فصل هفتم: بازنویسی اسناد

۹۳.....	درآمد.....
۹۷.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱.....
۱۰۲.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲.....
۱۰۶.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳.....
۱۰۹.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۴.....
۱۱۳.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۵.....
۱۱۶.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۶.....
۱۱۸.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۷.....
۱۲۰.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۸.....
۱۲۳.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۹.....
۱۲۶.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۰.....
۱۲۹.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۱.....
۱۳۴.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۲.....
۱۳۷.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۳.....
۱۴۲.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۴.....
۱۴۵.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۵.....
۱۴۸.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۶.....
۱۵۲.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۷.....

۱۵۴.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۸.....
۱۵۷.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۱۹.....
۱۶۰.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۰.....
۱۶۳.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۱.....
۱۶۶.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۲.....
۱۷۰.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۳.....
۱۷۴.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۴.....
۱۷۹.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۵.....
۱۸۲.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۶.....
۱۸۵.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۷.....
۱۸۸.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۸.....
۱۹۱.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۲۹.....
۱۹۶.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۰.....
۱۹۹.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۱.....
۲۰۴.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۲.....
۲۰۸.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۳.....
۲۱۱.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۴.....
۲۱۵.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۵.....
۲۱۸.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۶.....
۲۲۴.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۷.....
۲۲۸.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۸.....
۲۳۱.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۳۹.....
۲۳۴.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۴۰.....
۲۴۱.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۴۱.....
۲۴۳.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۴۲.....
۲۴۶.....	معرفی و توصیف اختصاری سند شماره ۴۳.....
۲۴۹.....	سخن پایانی.....

منابع و مأخذ

۲۵۱.....	اسناد.....
۲۵۱.....	نسخ خطی.....
۲۵۲.....	فرهنگ ها.....
۲۵۲.....	کتب.....
۲۵۴.....	مقالات فارسی.....
۲۵۶.....	کتب لاتین.....

نمایه‌ها

نمایه آیات ۲۵۷

نمایه اشخاص ۲۵۸

نمایه مکان‌ها ۲۶۵

bookroom.ir

فصل پنجم

ساختار محتوایی استشهدنامه‌ها

در آمد

بسیاری از افرادی که در پژوهش‌هایشان با اسناد سرو کار دارند یا به فهرست‌نویسی اسناد مشغولند، بازخوانی سند را در حد سطرخوانی تنزل داده‌اند. این در حالیست که سندشناسی، بررسی شکل، اجزاء، محتوا، سبک نگارش و اصطلاحات و... است^۱ که با نگاه علمی و همراه با تحلیل (ظاهر و محتوا) به آن نگریسته می‌شود.^۲ همین نکات، باعث شده که امروزه برخی از سندپژوهان، سندشناسی را دیگر شاخه‌ای از تاریخ به شمار نیاوردند، بلکه برای آن هویت و مقام مستقلی قائل شوند؛ با این حال، سند ابزاری است برای تاریخ‌نگاری مستدل و مستند و تثبیت هویت ملی و میهنی برای اقوام و ملت‌هاست؛ زیرا به دلایل ساختارمندی و وابستگی تام و تمام آن به زبان و زمان تولید خود، بالطبع کمتر مورد دخل و تصرف قرار گرفته و حوادث را همان‌گونه که هست در خود منعکس و تعریف کرده است.^۳

افزون بر این، یکی از کاربردهای سندشناسی، تبیین سیر تحول تاریخی و ساختارشناسی آنان در دوره‌های مختلف است. سندشناسان بر این باورند که اسناد تاریخی را می‌بایست با کمک دانش و فن سندشناسی و بررسی محتوا، اجزا و مصادیق، قاعده‌مند و تعریف و تشریح

۱. رضائی، قبale‌های پارسی (پردازش صوری و محتوایی)، ص ۱۱.

۲. گفتنی است برای سند، تعاریف گوناگونی ارائه شده است، اما هنوز قدیمی‌ترین تعریف «فورتیر» (۱۶۱۹م-۱۶۸۸م)، ابزار و یا سند مستدلی که بتوان با آن حقوق خویش را به اثبات رساند، مقبول و معتبر

است؛ رضائی، جستارهایی در سندشناسی فارسی، ص ۱۰.

۳. ر.ک: محسن روستائی، جزوه درسی کلاس‌های سندشناسی در دانشگاه تهران، ۱۳۹۱-۱۳۹۳.

کرد. با این تعبیر، سندشناسی، تاریخ اسناد است. در این دانش، از قدیم‌ترین سند تا جدیدترین سند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

یک سند تاریخی اعم از نوشته‌های سلطانی، دیوانی، اخوانیات و اسناد قضائی - حقوقی و مالی، از دو رکن: متن سند (موضوع سند) و اضافات سند (عناصر سندشناسی) تشکیل شده است که متن سند، اصل و رویکردی است که سند به خاطر آن سندنویسی شده است؛ اضافات تابع متن و هریک از این دو بخش نیز، خود دارای چندین قسمت هستند. جدای از تقسیم‌بندی قبلی یک سند را می‌توان به گونه‌ای دیگر نیز تقسیم کرد: جزء اول شامل متن اصلی، رویه سند و جزء دوم عبارت است از: ظهیره سند. بدین ترتیب، سجلات و تصدیقات سند را نیز در حقیقت می‌توان بخش سوم از اسناد، به‌ویژه در اسناد شرعی به حساب آورد.

این فصل بر آن است که به بررسی ساختار و محتوای متن و اضافات استشهدانامه‌ها پرداخته و نشان دهد که فارغ از کارکرد خود در محدوده حقوقی و قضایی، چگونه بوده‌اند و چه اطلاعاتی را می‌توان از آنها استخراج کرد که مورد استفاده سایر علوم و دانش‌ها قرار گیرد.

۵-۱. ساختار محتوایی متن

همان‌گونه که در درآمد نیز بیان شد، ترکیبات سند عبارتند از: دو رکن متن (موضوع سند) و اضافات (عناصر سندشناسی) که متن هر سندی، شامل شرح موضوعی است که سند به خاطر آن نگارش می‌یابد؛ مانند طلب استشهد.

به نوشته جهانگیر قائم مقامی، ممکن است که به دلیل کم‌توجهی به صاحب سند، موضوع سند و مضمون آن، سندی بدون مقدمه و یا بدون خاتمه و یا فاقد هر دو جزء مزبور باشد؛^۱ لیکن به شکل کلی، متن هر سند، معمولاً از سه قسم اصلی: ۱. مطلع و مقدمه یا دیباچه؛ ۲. شرح موضوع یا رکن کلام یا شرح اشتیاق؛ ۳. خاتمه ترکیب می‌شود. متن استشهدانامه‌ها نیز در کامل‌ترین شکل خود، مشتمل بر بخش‌های دیباچه، رکن کلام و خاتمه است و هریک از این بخش‌ها نیز قابلیت تقسیم به اجزای دیگر را دارند:

۱. قائم مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۱۵۴.

۵-۱-۱. دیباچه (مقدمه)

مقدمه یا مطلع، قسمتی از متن است که با خطی زیبا و جالب نوشته می‌شود و در آداب دبیری و ترسل، مورد توجه منشیان و دبیران بوده است. کاتبان نهایت تلاش خود را می‌کردند که رعایت حسن مطلع را از صنایع ادبی مثل بראعت استهلال^۱ به‌کار برند که با خواندن آنها می‌توان فهمید که موضوع سند در چه زمینه‌ای است.

قسمت شروع هر سند، مقدمه، دیباچه و مطلع نام دارد؛ دیباچه شامل عباراتی است که در واقع سرآغاز و شروع اسناد بوده و با خطی بهتر نسبت به متن اصلی و سجالات نوشته شده و شامل ذکر نام خداوند و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و مطالبی به تناسب موضوع اصلی است.

عبارات و اصطلاحات این بخش، ارتباط مستقیم با رکن کلام و موضوع اصلی سند دارند و نوعی بראعت استهلال دارند.^۲ به عبارت دیگر، خطبه‌ها به تناسب عقود اسلامی آورده می‌شوند و محرّرين و دبیران با استفاده از صنایع ادبی مثل بראعت استهلال، به نوع و موضوع عقد اشاره می‌کنند. بنابراین، وجه تمایز عقود اسلامی را می‌توان در خطبه‌های این عقود ملاحظه نمود.

به دلیل ناپایداری عمر، حالت فوریتی و نیز دست به دست گشتن استشهدنامه‌ها، محرّران، عموماً از ذکر حمد و ستایش خداوند و رسول ﷺ پرهیز کرده و بدین جهت دیباچه این اسناد، تنها دارای عبارتی پیرامون طلب استشهاد از مستشهدین بوده و به‌طور معمول فاقد اجزای متعارف اسناد شرعی مانند: تحمیدیه، تصلیه، عبارت «غرض از نگارش»، بعدیه، متمم، نسخ همسنگ و... هستند؛ در نتیجه بدون ذکر مقدمه‌ای پر وزن و طویل، بلافاصله وارد رکن کلام می‌شوند.

در ادامه چند رکن از ارکان دیباچه‌هایی را که در استشهدیه‌ها بررسی شده است، معرفی و به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

۱. بראعت استهلال، در حکم مقدمه‌ای برای متن سخن است که شاعر یا نویسنده، بر پایه این مقدمه، در متن کار خود سخن می‌گوید. فرشیدورد، درباره ادبیات و نقد ادبی، ص ۵۵۴.

۲. رضایی، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، ص ۱۲.

۵-۱-۱-۱. جمله استشهداد (صیغه عقد استشهداد)

جمله آغازین اکثر استشهدانامه‌ها، عبارتی است سهل و ممتنع، که بیانگر نوع عقد بوده و حاوی بیش از یک اصطلاح حقوقی و شرعی نیست که در این بخش به چند نمونه از کاربرد این لغات و مترادفاتی که، در اسناد استشهدادی پر بسامد هستند خواهیم پرداخت.

التماس شهادت می‌رود؛^۱ شهادت به اقامت می‌رسانند؛^۲ استشهداد و استعلام می‌رود؛^۳ استشهداد و استخبار و استعلام می‌رود؛^۴ استشهداد و استخبار و استعلام می‌برد؛^۵ استشهداد و استعلام و استطلاع و استخبار و استفسار و استکشاف می‌رود؛^۶ طلب شهادت می‌نمایم.^۷

لازم به یادآوری است که با توجه به تفاوت ساختاری در استشهدانامه‌نویسی، در بعضی موارد، جمله عقد استشهداد، پس از توصیه و تأکید یا خطاب قرار دادن گواهان به امر شهادت آمده است، به‌عنوان نمونه:

خدمت صاحبان عظام از حضرات تجار و کسبه اهالی لاریجان، طلب شهادت می‌نمایم؛^۸ چون ادای شهادت از لوازم و کتمان آن از محرّمات است، لهذا استشهداد و استعلام و استخبار می‌رود؛^۹ چون ادای شهادت از لوازم ایمان و اجتناب و کتمان آن به‌نص^{۱۰} صریح قرآن از محرّمات و کبایر است، لهذا استشهداد و استعلام و استخبار می‌رود؛^{۱۱} با توجه به بررسی‌های به عمل آمده و دقت نظر در میان تعداد زیادی از استشهدادیه‌های اواخر قاجاریه و اواسط دوره پهلوی به بعد، این نتیجه حاصل شد که بیشتر استشهدادیه‌های دوره اخیر، با جمله «استشهداد و استعلام می‌نماید»؛^{۱۲} آغاز می‌شوند.

۱. سطر ۲ سند شماره ۳.
۲. سطر ۲ سند شماره ۵.
۳. سطر ۱ اسناد شماره ۱۰ و ۲۷.
۴. سطر ۱ اسناد شماره ۶، ۷، ۱۹، ۲۴، ۳۱، ۳۵.
۵. سطر ۱ سند شماره ۱۱.
۶. سطر ۱ سند شماره ۱۴.
۷. سطر ۱ سند شماره ۲۳.
۸. سطر ۱ سند شماره ۳۴.
۹. سطر ۱ سند شماره ۶.
۱۰. اصل: نبض.
۱۱. سطر ۱ سند شماره ۱۳.
۱۲. سطر ۱ اسناد شماره ۴۱، ۴۲ و ۴۳.

۵-۱-۱-۲. بعدیه

بعدیه عبارتی است که بعد از حمد و ستایش خداوند و پیش از بیان موضوع اصلی و رکن کلام ذکر می‌شود. این عبارت عموماً در دل دیباچه بسیاری از اسناد شرعی آمده است؛ اما اسناد استشهادی، غالباً فاقد این عبارت هستند و منظور خود را از نگارش، بی درنگ اعلام می‌کنند. تنها نمونه‌ای که در اسناد بررسی شده از کاربرد این عبارت به دست آمد، عبارت «بعدالحمد و الصلوة»^۱ است، که همراه با صیغه عقد استشهاد، به عنوان عبارت آغازین سند استشهادی آمده و خطبه سند، به قرینه معنوی حذف شده است.

۵-۱-۱-۳. غرض از نگارش

محرّر یا منشی، در این قسمت از سند، قصد خود را از نگارش بیان می‌کند. این عبارت که غالباً پیش از اظهار صیغه عقد در اسناد ذکر می‌شود، در استشهادنامه‌ها به علت عدم نیاز و پرهیز از اطناب و سخن‌فرسایی، کاربردی نداشته و از میان اسناد بررسی شده، تنها یکی از استشهادیه‌ها، با بیان عبارت «موجب بر تحریر، آن که»،^۲ آغاز شده و گویای این امر است.

۵-۱-۱-۴. مستشهدین

محرّر متن بعد از بیان صیغه استشهاد، در عبارتی کوتاه، تمام کسانی را که از آنها طلب شهادت دارد، مورد خطاب قرار می‌دهد. انتخاب گروه‌هایی که از آنها تقاضای شهادت می‌شود، بستگی به موضوعی که برای آن طلب استشهاد شده است، دارد. به عنوان مثال، اگر موضوع متن استشهادنامه، مسئله‌ای مالی باشد، از امنای تجار و بازرگانان و کسبه؛ اگر در مورد امور مربوط به حج باشد، از موثق‌ترین زوار؛ اگر مسئله مذهبی باشد، از مؤمنین، متدینین، سادات و... درخواست شهادت می‌شود. البته در اغلب استشهادنامه‌ها، طلب شهادت از سادات و بزرگان دینی و اسلامی و افراد قابل اعتماد و موثق، به عنوان پایه اصلی، در کنار سایر افراد صورت می‌گیرد. در ذیل، نمونه‌هایی از مستشهدین مورد خطاب واقع شده در اسناد همین کتاب آورده شده است:

۱. سطر ۲ سند شماره ۳۵.

۲. سطر ۱ سند شماره ۱۷.

سادات عظام و قضاة اسلام و اعیان و مقیمان و اهل خبرت ولایت شهریار؛^۱ جمیع مؤمنین اهل خیرت و صاحب وقوفان ارض اقدس؛^۲ اهالی پانین ده؛^۳ آقایان اهالی شهرستان سبزووار؛^۴ علمای اعلام و فقهای ذوی العز و الاحترام و مؤمنین و متدینین و اعظام و اخیار و سایر سکنه ارض اقدس؛^۵ آقایان رؤسای محترم مالیه و تلگراف خانه و پست خانه و معارف لنگرود؛^۶ سادات العظام و حجّاج بیت الله الحرام و زائرین قبور ائمه انام، کدخدا و رعایای دارالسعادة زنجان؛^۷ و....

قابل ذکر است که در منابع فقه اسلامی، باب ۳۰ آمده که شهادت اهل ذمه بر مسلمانان جایز نیست مگر اینکه مسلمان شوند؛ ولی شهادت مسلمانان بر سایر ادیان پذیرفته شده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تمامی ائمه علیهم السلام بر آن متفق القولند؛^۸ سند شماره ۲۹ مندرج در فصل آخر، سندی است پیرامون طلب استشهاد فردی از یهودیان همدان که از مآلها و اسرائیلیان همدان، «اشخاص محترمین و جناب مآلها و جمعیت اسرائیلی همدان»، پیرامون اثبات ایرانی بودن فردی به نام حکیم خداداد و البته جالب است که استشهادیه با عبارت «عندالله و عند رسول ضایع نخواهد شد» به اتمام رسیده است.

پیرامون مهم‌ترین شرط پذیرش شهادت اهل ذمه در فقه اسلامی که مسلمان شدن آنها در گذشته است، سند شماره ۲۴ گواه خوبیست؛ موضوع این سند، طلب گواهی اهالی روستای دیلمقان سلماس، درباره تعرض چند نفر یهودی به مأمورین منع اسلحه ایران است که سه نفر از تازه مسلمانان یهودی، با نامه‌های صدرالاسلام، صدق الاسلام و امین الاسلام آن را تأیید و تسجیل کرده‌اند.

۱. سطر ۱ سند شماره ۳.
۲. سطر ۲ سند شماره ۷.
۳. سطر ۲ سند شماره ۴۱.
۴. سطر ۱ سند شماره ۴۳.
۵. سطور ۱ و ۲ سند شماره ۱۳.
۶. سطر ۱ سند شماره ۴۰.
۷. سطور ۲ و ۳ سند شماره ۱۴.
۸. ج ۳۰، ص ۴۴۳-۴۴۹.

۵-۱-۲. رکن کلام

قسمت دوم و مفصل‌ترین بخش هر سند، رکن کلام یا شرح موضوع نامیده می‌شود که همان تنه یا محتوای اصلی سند است و عمدتاً، بیشترین کلمات را به خود اختصاص داده است. منشیان و محرران سند، تلاش می‌کنند هنر کتابت و نگارش خود را در این قسمت به خوبی نشان دهند و با استعارات، اصطلاحات، عبارات مسجع و ادبی و... قلم فرسایی بنمایند.

در استشهادنامه‌ها، رکن کلام یا موضوع اصلی، مشهود^۱ به (امستشهد^۲ به) نامیده می‌شود. مشهود^۳ به، امری است که شاهد یا گواه از وقوع آن در گذشته یا حال، خبر می‌دهد. در این اسناد، مشهود^۴ به یا متن، غالباً کوتاه و مختصر و معمولاً فاقد مهر و امضای نویسنده است.

در مشهود^۵ به، بعضاً از مشهود^۶ له (امستشهد^۷ له) و مشهود^۸ علیه (امستشهد^۹ علیه) نام برده می‌شود. مشهود^{۱۰} له، شخصی است که به نفع او ادای شهادت می‌شود و مشهود^{۱۱} علیه، نیز شخصی است که به ضرر او ادای شهادت می‌شود. در یک استشهادیه موضوع شهادت، باید از هر حیث، اعم از مشهود^{۱۲} به و مشهود^{۱۳} علیه و مشهود^{۱۴} له، معین و روشن باشد.^{۱۵}

در ذیل نمونه‌هایی از مشهود^{۱۶} به، مشهود^{۱۷} له و مشهود^{۱۸} علیه که در استشهادیه‌های بررسی شده وجود دارند، بیان می‌شوند:

۱. [مشهود^{۱۹} به]: «چند سال در عهد وزارت میرزا آقا خان ... محمد کاظم خان، آقا حسین پسر حاجی یوسفعلی که منتهای بی‌رحمی و تعدیات را به اسم مطالبه^{۲۰} مطالبات بی‌جا، بدون سند شرعی و هیچ حساب، محض عرض درباره^{۲۱} اهالی رانکوه^{۲۲} و لنگرود^{۲۳} به عمل آورده، خلاف حساب و اجحافات^{۲۴}ی که این مدت کسی نکرده و ندیده و نشنیده بودیم، نموده و محض ادعاء، به زور محصل^{۲۵} میرزا آقا خان و میرزا کاظم خان هر چه خواسته کرده و از ملک و مال رعیت فقیر پادشاه اسلام پناه و -روحنا و روح العالمین فداه- آنچه خواست تصرف و مداخله کرد»؛

۱. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۴۶.

۲. این شهر در اواسط دوره قاجاریه، از ولایات هفتگانه ایالت گیلان بود و امروزه شهری در شهرستان املش است. که از شمال به دریای خزر و از جنوب به خط‌الرأس اصلی رشته کوه البرز می‌رسد. ر.ک: بوریکو خودزکو، سرزمین گیلان، ص ۸ و ۱۵.

۳. لنگرود یک شهر ساحلی، در شمال استان گیلان و نزدیک به شهر لاهیجان است. نام لنگرود، برای نخستین بار در سال ۵۱۲ ق در متون تاریخی ذکر شده است.

Affidavits in Islamic Iran (Form and Content Structures)

vol.2

*Hasan Zandiyeh. Ph.D.
Maryam Bolandi*

اسناد شرعی نوعی از اسناد هستند که به علت اصالت و اعتبار و قرابت با زمان رویداد، بر بسیاری از منابع تاریخی رجحان دارند. استشهادنامه‌ها نیز یکی از انواع اسناد شرعی می‌باشند که اگر به گونه‌ای علمی و با کمک دانش و فن سندشناسی بررسی شوند، می‌توانند بسیاری از مسائل علمی و پژوهشی را حل کنند. این کتاب، با عنوان بررسی استشهادنامه‌های ایران اسلامی با تکیه بر دوره معاصر، به شیوه‌ای علمی، به بررسی فقهی و نیز ساختار سندشناسی سند استشهادنامه پرداخته است؛ چرا که کار سندشناسی، روشن کردن توسعه تاریخی اسناد، به اضافه ساختارشناسی آنها است. بدین ترتیب، جلد اول کتاب، مشتمل بر جایگاه فقهی و علمی شهادت و استشهادنامه و جلد دوم، بررسی ساختار محتوایی و توصیف شکل ظاهری آنها، طبق موازین علمی است.

ISBN: 978-600-298-375-6



9 786002 983756

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان